



۲۰/۰۳/۲۰

ملالی موسی نظام

فرخنده را فراموش نمی نمایم

در آستانه سال نو دیگری از ارتکاب جنایت فجیعی یاد آور میگردیم که در نوع خود بینظیر بوده و نه تنها موجب شرمساری و تأسف فراوان در یک مملکت اسلامی و در قرن بیست و یکم گردید، بلکه قربانی وحشتناک چنین یک زن مظلوم و بی دفاع افغان در محضر عام با نهایت دمنشی و خشونت، بر عکس تصورات اکثریت، به عدالت و بازخواستی که در خور آن بود هرگز صورت نگرفت. درین تراژیدی آسفناک، تعدادی مأمور امنیه و پلیس و عده ای هم که بصورت مستند در جنایت دست داشتند، بعد از چند هفته و چند ماهی بری الزمه اعلام گردیدند و محاکمی که دایر گردید، فقط روپوشی بر چنان یک رویداد خونین گذاشت. اینک آنچه از قلم این جانب با درد و تألم بسیار تراوش نمود:

۲۱ مارچ، ۲۰۱۵

ملالی موسی نظام

جنایتی شرم آور در آستانه تجلیل از سال نو هجرت حضرت پیغمبر این حادثه فجیع بنیاد حقوق زن را از ریشه نابود نمود!



زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست
(نادیه انجمن، زنی که سبانه بدست شوهر به قتل رسید)

در شب و روزیکه مردم افغانستان برای تجلیل از سال نو هجری شمسی به استقبال از نوروز باستانی، سردی و تاریکی زمستان را پشت سر میگذاشتند، حادثه دلخراش و غیر بشری ایکه از شنیدن آن لرزه بر اندام هر انسان،

افغان و مسلمان می افتد، شهر کابل را در خود فرو برد. بلی در همین پایتخت افغانستان که چند ماه قبل با هزار مشکلات مردمش از زن و مرد با رنگ کردن انگشت خراستند به جهانیان نشان دهند که شعور سیاسی و آگاهی به حقوق شان را دقیقاً جنگ ها و بدبختی ها به آنان آموخته و حال گوشه هایی از دیموکراسی را با دادن رای تجربه می نمایند، زن مظلومی در نزدیک شاه دوشمشیره ولی با افتراء غیرعادی «متهم» به سوختاندن اوراق قرآن مجید میگردد و بدون مداخله قوای امنیتی، بدست گروهی جنایتکار از خدا بیخبر با شرایط ناجایز ابتداء سبانه به قتل میرسد و بعد جسدش به آتش سپرده میشود. آفرین به انسان متمدن و قضاوتی که «اجرای» چنین عدالت سخیفانه ای را در قبال داشته است. خبر استخوان سوز بصورت پراکنده چنین نشر شده است:

(مقام های امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.)

شمار زیادی از کاربران فیسبوک که ویدئوهای این حادثه را دیده اند، از کمکاری پلیس شاک می اند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان به بی بی سی گفت که بخشی از تحقیقاتی که آغاز شده مربوط به عملکرد پلیس در ارتباط با ماجرای کشتن و سوزاندن فرخنده می شود.

تلویزیون های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند. در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزهای امنیتی پایتخت افغانستان به بی بی سی گفت: "این حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه ای از قرآن را به آتش کشید و ده ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند." او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود.

ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه های اجتماعی مخصوصاً فیسبوک به شکل گسترده ای منتشر شد که می شود که پلیس کاری انجام نمی دهد.

یکی از شاهدان عینی محل حادثه به بی بی سی گفت: "آنها «مردم» او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش را به رودخانه «بستر خشک رودخانه» انداختند و سوزاندند. آتش نشان ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند."



تلویزیون طلوع به نقل از خانواده زن کشته شده گفته که نامش فرخنده است و در ۱۶ سال گذشته مشکل روانی داشته است. خانواده این زن به تلویزیون طلوع گفته اند که او قصد سوزاندن قرآن را نداشت.

این بود شمه ای از چنین جریان اسفباری که در کابل، پایتخت افغانستان با موجودیت بی شمار قوای امنیتی و سالها آموزش و تربیت و وظیفه شناسی آنان در حفظ امنیت و پشتیبانی از مظلوم «زنی بی دفاع»، به مقابل مثنی ظالم «ددمنشانی که در لباس انسان» ظاهر گردیده بودند، در روز روشن رخ داد! درین جریان یقین است که ده ها مأمور پلیس مسلح منحنی سیر بین اعمال غیر انسانی و وحشیانه گروه آدم کش وحشی را نظاره مینمودند. اگر عدالتی را انتظار ببریم، اولتر این گدی گک های ترسوی یونیفورم پوش را باید مورد مواخذه و بازخواست قرار داد و بعد به سراغ چهره های شناخته شده ای در کرسی های مختلف دولت افغانستان رفت که آبرو نا دیده، موزه از پا در آورده اند. بلی از باور و انصاف بدور است که از صاحب منصب وزارت داخله تا خانه نمایندگان ملت و مؤظفین پیشبرد امور دولت، اشخاصی که در کرسی های نشان دار و نامداری لم داده اند، تا بحال ندانسته اند که هر عمل سوئی که در اجتماع رخ میدهد، آخرین مرحله عدالت و بازخواست جزای مجرم است که به حکم محکمه با صلاحیت جرم وی تثبیت شود، یعنی که با تعصب و عجله جاهلانه شان اجازه درک این ماده قانون را برای خود ها نداده اند که «برائت حالت اصلی است، مگر اینکه به حکم محکمه با صلاحیت، ضد آن به اثبات مجرم بودن متهم صادر شود.» دردا که زنانی را هم می بینیم که بی خردانه و ظالمانه بر مسند قضاوت تکیه داده و حکم صادر مینمایند. حال میرویم به سراغ قانون شکنان متعصبی که دست عمال جنایتکار «داعش» را از پشت بسته اند:

(زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشته است: "این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغان ها تنها خواهان کشور خود و اسلام هستند. استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی توانند تحمل کنند." آقای زابلی این پوست را بعداً حذف کرد.

سیمین حسن زاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشته است: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باور های دینی مان پاسداری

خواهیم نمود." او سپس از آیه ای از قرآن را نوشته که می گوید ما «خدا» خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می کنیم. تلاش بی‌بی‌سی برای گفتگو با خانم حسن زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که در روزهای گذشته به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه‌ها صحبت می‌کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد دیگر با این نوع عمل و توهین، تابعیت آمریکا و اروپا را به‌دست می‌آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می‌گویم".

حالا آقای استانکزی در صفحه فیسبوکش از مردم پوزش خواسته و گفته که رسانه‌ها خبر را به گونه دیگری گزارش داده بودند، اما حالا "واقعیت" را میداند ازین موضوع اندوهگین است.

کاربری به اسم شرف بغلانی در صفحه فیسبوکش نوشت که در قتل و سوزاندن «زن بی‌دین» دست داشته است. پلیس حالا این فرد را بازداشت کرده است.

شمار زیادی هم گفته اند که دولت برای حفظ اعتبارش، برای تداوم قانون، جلوگیری از «فرهنگ داعشی» در میان مردم، باید با عاملین این رویداد جدی برخورد کند.

این زن بینوا که «فرخنده» نام داشت به شهادت فامیل مظلومش گویا از ۱۶ سال به اینطرف از مریضی خفیف روانی رنج میبرد که اتهام سوزاندن قرآن پاک که اثبات هیچ ورق آن تا بحال بدست نیامده است. درین ماجرای آسف بار اولتر وظیفه پلیس بود که فوراً و به کمک همکاران دیگر، از آغاز عمل و عکس العمل وظیفتاً با درایت و استعمال فیرهای هوایی مردم را متفرق نموده و مجروح را از چنگ ددمنشان بی احساس «نجات» می‌داد، در حالیکه بیشمار عکسها نشان میدهد که اقدام پلیس سرسری و غیر مسئولانه بوده و گویا ضاربین - قاتلین و مضروب را بحال شان رها نموده و به سیر بینان پیوسته اند.

حال که جنابیتی چنین مردسالارانه و دور از شرافت و اخلاق انسان متمدن، مسلمان و افغان متعهد به اصول و قوانین رخ داده که حتی در شورای امنیت ملل متحد از آن با افسوس و ناباوری یاد گردیده است، دولت افغانستان، مخصوصاً قسمت اجرایی آن وظیفتاً اعمال درگیر درین سلاخی بیشرمانه انسانی را به جزای اعمال ناروای آنان برساند. بلی، پسندیده خواهد بود که با پیروی از حکم اعدام جنایتکاران حادثه قرغه، این متعصبینی را که چشم انصافشان را شاید اعمال سخیف آدم‌کشان «داعش و طالب» کور نموده است، به مجازات مشابه محکوم نموده و در حضور مردم به مرحله اجرا قرار دهد.

البته هر روز با شهادت مردم، عکاسی‌های گوناگون و افشای حقایق درین قضیه غیر انسانی مدهش، حقایق تلخی در زمینه این ماجرای استخوان سوز افشا و برملا می‌گردد که با ناباوری و افسوس، لکه‌های بیدادگری و ظلم دائمی را بر زن مظلوم افغان به اثبات میرساند. اینک خبر دردناک اخیر در مورد قضیه، نقل از از سایت ارزشمند «دعوت-افغان سباون»:

جزئیات تازه و مستند از فاجعه دیروز "شاه دوشمشیره" غوث جانبا:

آقای عصمت قانع در رابطه به سانحه غم‌انگیز دیروز، امروز صبحگاهان به محل واقعه رفته و حکایت ذیل را بیان داشتند:

"همین اکنون از "شاه دو شمشیره" برگشتم، هیچگونه شواهدی دال بر آنکه کسی قران شریف را آتش زده باشد، وجود ندارد.

یک مجاور جادوگر، تعویضی را به خانمی به اسم «فرخنده» ترتیب داده و گفته بود که جوانی به نام شاه آقا بالای او عاشق می‌شود و خواستگار می‌فرستد. مجاور جادوگر در بدل «تعویذ» مذکور ده هزار افغانی از «فرخنده» نام دریافت داشت و ضمانت نموده بود که هرگاه تا ده روز «تعویذ» اثر گزار واقع نشود، بیا و پولت را پس بگیر!

در این میان یک ماه سپری شد و تعویض هیچ اثری نکرد. «فرخنده» دیروز رفته بود تا پول خود را از مجاور واپس بگیرد...

حین گفتگو میان مجاور جادوگر و فرخنده مشاجره لفظی رخ میدهد، زن تعویذ را بالای شعله‌های اشتوپ گازی میاندازد. ملا در اینوقت فریاد سر میدهد که زن قران را آتش زد....))

این بود جریان فاجعه درد آوری از پایتخت افغانستان که رویروی مسجد و زیارت با عظمت «شاه دوشمشیره ولی» که ارزش تاریخی دارد و هزاران مراسم مذهبی و مجالس فاتحه با اشتراک صد ها هزار هموطن در اعصار مختلفه در صحن مقدس آن صورت گرفته، دور از کرامت انسانی و اخلاق پسندیده بشری و اسلامی و افغانی واقع شده است. تا بحال هیچ اثباتی و تصویری از سوختاندن اوراق قران عظیم الشان در دسترس نیست که بتواند که علت اقدام به این جنایت فجیع را برای مردم بیان نماید....جنابیتی که با کور مغزی و قضاوت جاهلانه زن ستیزی، با بیرحمی عصر بربریت سازمان دهی گردید و دردا که اولیای امور وابسته به فیس بوک

ها و مطبوعات هم دست از پا دراز تر درین فاجعه غیر انسانی حصه گرفتند. با وقوع چنین حوادث شرم آور و عکس العمل های دور از کرامت انسانی، چگونه باید از نوروز و سال نو به خوشی استقبال نمود و با توانمندی از آغاز ورق دیگری از هجرت پیامبر اسلام به پیش رفت.

نوت: راپور های مختلفه از بی بی سی و مطبوعات گوناگون افغانی اقتباس گردیده است.

پایان

